



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۱/۰۳

نگارگر

آیا طالبان از اهمیتِ تعلیم و تربیه دختران آگاه استند؟

امروز پوره یک ونیم ماه می شود که اکثریتِ دختران در افغانستان از مکتب رفتن محروم شده و در کنج خانه نشسته اند.

نخست از اثر روانی این محرومیت بر دختران میگویم.

دراغانستان ساختار نظام خانواده طوری است که میان فرزندان و والدین شان نوعی فاصله ایجاد میکندحالا ما نام این فاصله را حجب و حیا و حضور بنامیم؛ یا دکتاتوری پدر و قسماً مادر در خانواده و کم جراتی فرزندان و یا عدم صراحت لهجه در هر حال این فاصله وجود دارد و هنگامی که دختران و همچنین پسران مکتب می روند خواهر خوانده ها و رفیقان پیدا میکنند که این خواهر خوانده ها همراز و غمشریک یکدیگر میشوند و دختران در یک محیط کاملاً مساوی مجال صحبت و درد دل پیدا میکنند و داشتن خواهرخوانده به یک نیاز روانی دختران بدل می شود. محروم کردن دختران از دیدار این خواهرخوانده ها ظلمی است که بیگمان نزد دختران عقده های روانی ایجاد می کند و هنگامی که یک دختر در خانه می نشیند و به این بکن و آن مکن مادر؛ خواهر؛ برادر؛ کلان و دیگران گوش میدهد محیط خانه را یک محیط زهرآگین تشخیص میدهد و باز به نوعی تغییر محیط احساس نیاز میکند که در حالت سالم و طبیعی این محیط دوم مکتب و خواهرخوانده های مکتبی است که در آن خواهرخوانده ها قصه های غم و شادی همدیگر را می شنوند و از مصیبتِ یکنواختی رهایی می یابند. و اما چون در اکثر جوامع مشکلاتِ دختران نسبت به پسران زیاد است پس نیاز دختران به تغییر محیط بیشتر است و اگر به این نیاز توجه نشود چه بسا که دختر از یک خانواده ضیق و سختگیر خود را به آغوش یک ازدواج زودرس و یا حتی وعده ازدواج زود رس ببیندازد که عواقب آن برای دختر و خانواده اش به مراتب بدتر باشد. نتیجه این که دختران به محیط مکتب و کار نیاز روانی دارند و جامعه بدین نیاز باید توجه کند پس تعلیم و تربیه دختران در مکتب یک هوس نیست بلکه یک ضرورت است.

و اما از این نیاز روانی که بگذریم حتی اگر حماقت تا آنجا بریک جامعه غلبه کند که زنان را از کار اجتماعی محروم کند و زندانی خانه بسازد باز در خانه نشستن برای یک زن صاحب سواد آسان تر است. زن باسواد میتواند در خانه کتاب بخواند؛ خانه خود را خوب اداره کند؛ حساب دخل و خرج خانه خود را خوب بگیرد؛ از فرزندان خود خوب مراقبت کند؛ به رمال؛ فالبین و جندگیر کمتر دل خوش کند و از همه بالاتر با مطالعه دین و آئین از حق خود و حق دیگران آگاه شود. زنی که سواد دارد چراغی به دست دارد و نشیب و فراز راه خود را خود می بیند ولی ناحق نگفته اند که بیسواد کور است و زن بیسواد همیشه به رهنمایی دیگران نیاز دارد و ممکن است دیگران او را غلط رهنمایی کنند. به قول مولانا

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

یک نظر سطحی بر جامعه نشان میدهد که اکثریتِ قربانیان ازدواج های زیر سن و اجباری یا ازدواج های گریزه (وقتی دختری به دنبال یک مرد از خانه فرار و با او ازدواج کند این دختر را گریزه میخوانند.) دختران بیسواد استند.

و حالا به جنبه اجتماعی قضیه توجه میکنیم.

افرادی که در یک جامعه زندگی میکنند برای زندگی نیاز به ثروت دارند. ثروت در این جابه معنای متعارف کلمه یعنی پول و دارائی نیست بلکه توانایی کار؛ دسترسی به وسایل کار و مساعدت های جامعه در ایجاد امکانات کار است.

زنان بزرگترین نیروی مؤلف جامعه استند و آن جامعه که این نیروی مؤلف را کنار میگذارد هرگز روی بهروزی را نمی بیند. کار دو نوع است کار مفید یا مؤلف ثروت است و یا در تولید ثروت کمک می کند و کاری که نه این کند و نه آن کند کاری است که بود و نبودش درد جامعه را دوا نمیکند و یک معده طفیلی است که دیگران باید پُرش کنند.

امروز انواع لباس های دوخت بنگله دیش در بازار های اروپا و امریکا خریداران فراوان دارد و این لباس ها دوخت زنان بنگله دیش است. این زنان بر ثروت جامعه خود می افزایند و با افتخار و سربلندی نان خود را خود پیدا میکنند. چرا دورتر بروم زنان قالدین باف و الچه باف و گلیم باف خود ما کمر خم میکنند و قالدین می بافند و حاصل کار شان در بازار های جهان عرضه میشود. حالا این زنان اگر باسواد شوند میتوانند از تجربه های دیگران استفاده و کیفیت کار خود را بالا ببرند. افتخار به زنان معلم؛ طیبیب؛ نرس که سالها مشغول تدریس؛ تداوی و بیمار داری بوده اند و جای بسیار تأسف است که اکنون زمام اختیار شان به دست مشتئی ملای کم تجربه افتاده است که سالها سر شور داده اند و ضَرَبَ یضرب ضرباً فهو ضارب خوانده اند.

متأسفانه اکنون موضوع تعلیم و تربیه دختران به توپ فُتبالِ سیاستمداران بدل شده است. یک تیم فُتبالِ تیم طالبان است که به شناسایی از جانب کشور های جهان نیازمند است. طالبان میگویند ما را به رسمیت بشناسید همه کارها را دُرُست می کنیم و آن سو تیم ملل متحد و کشور های جهان است که از طالبان میخواهند کارها را دُرُست کنید تا شمارا به رسمیت بشناسیم.

نُخست طالبان خود از ارزش تعلیم و تربیه دختران آگاهی ندارند و به همین دلیل است که چهل و پنج روز شد که زنان را از درس و تعلیم محروم نگاه داشته اند. کارهای که ملل متحد و برخی از کشور ها میخواهند طالب دُرُست کند کارهای نیست که شب در میان روبه راه شود پس ضرر را بیچاره مردم میکشند که بانک های شان بسته و پول شان از جانب یک اَبَر قدرت در عرصه سیاست شکست خورده منجمد است و بنابراین تا تریاق از عراق رَسد؛ مارگزیده هلاک شود. دختران مکاتب را مار تعصُب و خود سری گزیده است و اینان به تریاق تعلیم و تربیت نیاز فوری دارند بنابراین این دروازه های مکاتب را همین حالا بگشائید که فقط یک ماه بعد سرمای گزنده زمستان فرا می رسد و عدم امکانات و عدم وسایل لازم باز دروازه های مکاتب را می بندد و مکاتب دختران تا بهار سال آینده مسدود می ماند و این بار فقدان امکانات به دست نظام طالبی بهانه دیگر میدهد. والله اعلم بالصواب

نگارگر دوم نومبر ۲۰۲۱ برمنگهم